



انتقاد به تردد مسئولان در خطوط «ویژه»

نایب رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر، با انتقاد از تردد خودروهای برخی مسئولان، به ویژه در روزهای پُرترافیک در خطوط ویژه اتوبوسرانی شهر تهران، گفت: «خودروهای مسئولان، بیشتر از اتوبوس ها در خطوط ویژه اتوبوس تردد دارند.» مهدی بابایی با اشاره به روزهای پایان سال و ترافیک سرسام آور در تهران، افزود: «کم‌بیش اتوبوس های جدید در خطوط اتوبوسرانی دیده می شود و امیدواریم خودروسازان به وعده های خود بیشتر عمل کنند و شاهد تردد تعداد بیشتری از اتوبوس های جدید در شهر تهران باشیم.» او ادامه داد: «از رئیس پلیس راهور انتظار داریم بر خورد جدی با این خودروها داشته باشد و از صدور هرگونه مجوز برای تردد در خطوط ویژه خودداری کنند.» او از پلیس راهور خواست به طور ویژه در این حوزه اقدام کند و افزود: «در ابتدا به تذکر بسنده می کنیم، اما در آینده اگر شاهد حضور مسئولان و تردد آنها در خطوط ویژه باشیم؛ شماره تلفنی را در فضای مجازی اعلام می کنیم و از مردم می خواهیم عکس آن مسئول را ارسال کنند تا از تریبون شورای شهر، نام مسئولی که این تخلف را انجام می دهد، اعلام کنیم.»



هشدار درباره افزایش فوتی های چهارشنبه سوری

رئیس اورژانس کشور نسبت به افزایش مصدومان و آسیب دیدگان حوادث مرتبط با چهارشنبه سوری در کشور هشدار داد و گفت که از ابتدای اسفندماه تاکنون ۲۷۵ نفر در این حوادث مصدوم شده و ۷ نفر هم جان خود را از دست داده اند. جعفر معیادفر به ایسنا گفت: «آمارهای مرکز EOC اورژانس کشور نشان می دهد که از ابتدای اسفندماه تاکنون در مجموع ۲۸۲ نفر در حوادث مرتبط با چهارشنبه سوری دچار آسیب شده اند که از این تعداد ۲۷۵ نفر مصدوم شده و متأسفانه ۷ نفر هم جان خود را از دست داده اند.» او با بیان اینکه شمار آسیب دیدگان و موارد فوتی تا به روز گذشته به ترتیب ۱۸ و ۱۷ درصد افزایش را در مقایسه با مدت مشابه پارسال نشان می دهد، گفت: «همچنین امسال ۲۴ مورد قطع عضو، ۱۰۱ مورد آسیب به چشم و ۱۳۰ مورد سوختگی رانیز داشتیم که این موارد به ترتیب چهار، ۲۸ و ۳۱ درصد رشد را در مقایسه با مدت مشابه در سال گذشته نشان می دهد.»



اعتراض کمپین معلولان به صداوسیما

کمپین پیگیری حقوق افراد دارای معلولیت در نامه ای به رئیس صداوسیما به عملکرد این سازمان در قبال افراد توان جو اعتراض کرد. در بخشی از این نامه آمده: «یک نگاه به شبکه های متعدد صداوسیما نشان می دهد که عموماً برنامه ها، مصاحبه محور و مسابقه ای شده اند. در حالی که قرار بود به استناد ماده ۲۱ قانون حمایت از حقوق معلولان از سوی صداوسیما ۵ ساعت از برنامه هادر هفته به صورت رایگان در زمان های مناسب به برنامه های سازمان بهزیستی و تشکل های مردم نهاد حامی افراد دارای معلولیت به منظور آشنایی مردم با حقوق، توانمندی ها و مشکلات این افراد اختصاص یابد؛ آن رسانه ملی نه تنها بار شاطر نشد، بلکه بار خاطر گشت. بخش یک به ظاهر تئاتر در برنامه بگو و بخند و به بسخره گرفتن افراد دارای معلولیت و حتی متکدی نشان دادن آنها نشان می دهد، رسانه ای که قرار است فرهنگ سازی کند در چه ورطه ای از بی فرهنگی فرو رفته است.»

تنها ماندند

گزارش میدانی «هم میهن» از روستاهای سیل زده بلوچستان حکایت از آسیب بالا و کم رنگ بودن کمک های دولتی دارد



سارا سبزی
خبرنگار گروه جامعه

صف خودروها که از قصرند به روستا می رسد، مردم جمع می شوند تا ببینند چه کسی ۱۲ روز بعد از سیل به روستای شان سر زده؟ آنها هنوز نمی دانند روستای آنها مقصد این بسته ها نیست، نه روستای سیل زده شان. خورشید غروب کرده و خانه های فروریخته در دل تاریکی پنهان مانده اند، صبح فردا که آفتاب در «کهن بالا» طلوع می کند، تصویر واضح تر می شود: خانه های ترک خورده، باغ های به گل نشسته و راه های پر شده از سنگ های رودخانه طغیان کرده. از بالادست روستا و نزدیک کوه، مسیر شسته شده با سیل خودش را بهتر نشان می دهد. روستا تا یک هفته بعد از سیل به هیچ راهی دسترسی نداشت و از چشم همه دور مانده بود. کنار آن ۱۲-۱۰ نفر مردی که روبه روی تنها مغازه روستا ایستاده اند و با نماینده های فرمانداری و عشایری استان حرف می زنند، مرد جوانی با لباس سفید و دستار بلوچی می گوید، تا امروز ۱۲ روز بعد از سیل - نه هلال احمر آمده، نه دولت کمک فرستاده. فقط مردم دو وانت بادمجان و آب معدنی فرستادند و کمیته هم چند بسته مواد غذایی فرستاد، ولی نه برای همه، «بچه ها تا لاسمی داره و تحت پوشش بهزیستی است، اما وقتی نمایندگان کمیته امداد به روستا آمدند، کسی از ما خبری نگرفت، برای این چند خانواده هم پنج کیلو برنج، دو بسته ماکارونی، دو روغن و رب گوجه آوردند.» دو هفته از شروع سیل در بلوچستان گذشته و مسیرها باز شده. دسترسی به آب و برق و جاده به بعضی از روستاها برگشته و از روزهای بحران عبور کرده اند، اما هنوز بعضی از روستاها به شرایط عادی برگشته اند. روزهای سخت بعد از سیل برای آنها ای که خانه و زمین کشاورزی شان را از دست داده اند، آغاز شده. اهالی هنوز نمی دانند برای خانه ها و باغ های تخریب شده و زمین های کشت دیم بدون سیل بند، باید چه کرد؟ چرا هیچ کس برای سرکشی نیامده و راه های روستاهای صعب العور چه زمانی باز می شود؟ تا اواخر هفته گذشته حداقل ۲۵ روستا در شهرستان قصرند از امداد رسانی جامانده؛ و مثل روستاهای کاجوی شمالی و روستاهای «کهن» که کسی به آنها سر نرزد و هنوز مشخص نیست چند روستای دیگر خاموش مانده اند؟

«کهن» تنها ماند

روستاهای «کهن» از توابع شهرستان تلنگ هستند و با مرکز آن ۳۰ کیلومتر فاصله دارند. همه این ۷ روستا در بالادست دامنه کوه نشسته اند؛ بوریندوک، خوشاب، کلان زه، کهن پایین، کهن بالا، چانک و سهاکی. هر کدام نام قناتی را گرفته اند که سال ها آب روستا را تامین می کرد و حالا در مجموع ۱۶۰۰ نفر جمعیت دارند، اما فقط یک جاده برای شان ساخته شده و مسیر بعضی از آنها از رودخانه می گذرد. به همین دلیل بعد از سیل هیچ کدام راهی به بیرون از روستا شان نداشتند. هر ۷ روستا، نزدیک ۸ روز بدون برق و آنتن موبایل بودند و از بین آنها فقط نام دو روستا در فهرست روستاهایی قرار گرفت که قرار بود چند بسته کمک دریافت کند؛ «کهن بالا» و «سهاکی». ساعت حدود هفت عصر ۱۸ اسفندماه، یعنی ۱۲ روز بعد از شروع سیل در منطقه، اولین بسته کمک های غذایی از طرف فرمانداری به «سهاکی» می رسد. مسیر اصلی رسیدن به روستاهای «کهن» بعد از سیل باز شده؛ بخشی از آن اسفالت

پیگیری حادثه

سیل ۹۸ خراب شد، به بنیاد درخواست دادیم، ولی گفتند دیر آمدید. اگر دوباره فردا باران بیارد، خانه ها پر از آب می شود.»

خبری از باغ های انبه و لیمو نیست

«کهن بالا» تا امروز بیشترین خسارت را در میان روستاهای بخش تلنگ دیده است؛ ۸۰ خانه و سرویس بهداشتی در آن ریزش کرده و ساکنانش به خانه دوست و آشنا رفته اند، اما چادرهای هلال احمر توزیع نشده، آن هم در روزهایی که دوباره هشدار باران داده شده بود. حامد ستوده، دهیار روستاست. او همراه محمد بلوچ و ملای روستا کنار بستر رودخانه طغیان کرده، می ایستند و آن بخشی از سیل بند را که تخریب شده نشان می دهد. دیگر هیچ سیل بندی وجود ندارد، آب از بستر رودخانه رفته و تمام مسیریر از سنگ است. او می گوید، قبلاً کنار رودخانه نزدیک روستا، سیل بندی را لودر درست شده بود، اما بعد از سیل تخریب شد و حالا مسیر رودخانه به سمت خانه ها تغییر کرده؛ اتفاقی بسیار خطرناک که دوباره برای سیل بعدی تخریب ایجاد می کند: «این منطقه کوهستانی است و خانه ها از سنگ، خاک و گل ساخته شده اند. از بین ۳۲۰ خانوار روستا، حدود ۱۲۰ خانواده تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی قرار دارند. ۱۲ روز از سیل گذشته اما هنوز راهی به سمت شهرستان نداریم. مسیر اصلی رسیدن به بخش هم یک هفته بعد از سیل باز شد. بعد از این همه مدت هیچ ارتباطی نداریم؛ نه آنتن ایرانسل، نه همراه اول و حتی نمی شود با کسی تماس گرفت تا اگر لازم شد به ما کمک برسانند. چند نفر از اهالی بیماری را لاسمی دارند و باید هر هفته خون تزریق کنند، اما در این یک هفته که راه ها مسدود بود، نتوانستند به بیمارستان بروند. در تمام این روزها اطلاع رسانی درباره وضعیت ما کم بود و کسی برای سرکشی و کمک نیامد، حتی نماینده بنیاد مسکن و هلال احمر هم نیامد. برق روستا را خود اهالی روستا تعمیر کردند.»

کسی از ما خبر نداشت

خود اهالی «کهن بالا» که قرار است بسته های امدادی را منتقل کنند، تا آن روز هیچ کمکی از دولت نگرفته اند. اینجا بزرگترین روستای بخش تلنگ است و حدود ۲۸۰ خانواد و ۱۲۰۰ نفر جمعیت دارد که بعد از شروع بارش ها و آغاز سیل، دیگر هیچ راه دسترسی ای به خارج از روستا نداشتند و کسی از آنها خبری نداشت. محمد بلوچ، تنها مغازه دار روستاست که در تمام روزهای محاصره روستا با سیل، آب و غذای مردم از مغازه کوچک او تامین می شد و مردم به هیچ چیز دیگر دسترسی نداشتند. او همان نماینده ای است که از طرف فرمانداری انتخاب شده تا کمک ها را به دست اهالی «سهاکی» برساند. بلوچ می خواهد تمام خانه های تخریب شده روستا را نشان دهد و تعریف کند که هر کدام حالا چه وضعیتی دارند، خودش با ملای روستا جلوتر می افتد و جلوی تکیه تک خانه ها می ایستد و توضیح می دهد: «این سرویس بهداشتی را ببین. الان روی دیوارش گچ زده اند که نریزد. آن یکی را ببین! خانه برادرم است. دیوارش نم گرفته، خودش مرخص است، باید برود تهران. صاحب این خانه هم گل درست کرده که دوباره به در و سقفش نرزد.» او می گوید، خانه های روستا از گل، سنگ و خاک ساخته شده که سیل، گل ها را شست و خانه ها فروریخت: «تمام سرویس های بهداشتی خراب شد، سقف خانه ها و دیوارهای شان ریخت. حتی خانه های سیمانی هم نم گرفتند. خانه های اینجا بیشتر از روستاهای دیگر مثل «دیرمان» خراب شده و مردم فقیرتری هم دارد. مثلاً این خانه را نگاه کن! صاحبش همیشه مریض است و حالا اگر یک لایه دیگر از دیوار خانه اش با آب شسته شود، کاملاً فرو می ریزد.» و با دست به یکی از خانه ها اشاره می کند. او می داند خانه های تخریب شده چقدر سیمان و شن برای بازسازی لازم دارند، اما کسی از اهالی توان تامین آن را ندارد. روبه روی یکی از خانه ها می ایستد و دیوار پشت آن را نشان می دهد: «پشت این خانه را ببین! کاملاً فروریخته، وقتی یک کامیون ماسه ۷ تا ۸ میلیون است، کسی اینجا پول ندارد که خانه اش را با ماسه بسازد. به همین دلیل باران که بیارد، خانه اش خراب می شود. بعد از سیل هم چند نفر از اهالی که خانه شان کمی ریزش کرده بود، روی دیوارها سیمان سفید ریختند که بیشتر از آن نریزد و بعداً بازسازی کنند. اگر کسی پول داشته باشد، می تواند خانه اش را تعمیر کند.» کف روستا و نزدیک رودخانه، از تکه سنگ های تیز و صافی که سیل با خودش آورده، پوشیده شده و بر خلاف روستاهای دیگر، حتی خبری از خانه های نیمه ساخته بنیاد مسکن نیست: «فعلاً خبری از بنیاد مسکن در روستا نیست و اهالی دنبال تهیه ماسه و سیمان می گردند که خودشان خانه ها را بازسازی کنند. بعد از سیل ۹۸،

بنیاد مسکن فقط پی ۳ خانه بسیار کوچک را در روستا ساخت و دیگر خبری از آنها نشد. دنبال کار را هم گرفتیم، ولی نتیجه ای نداشت. خانه خودم هم در

۳ خانه نیمه کاره برای اهالی سیل زده

سال ۱۴۰۰ پی ساختمان ۳ خانه از طرف بنیاد مسکن در روستا ساخته شد و بود فرا جایگزین خانه های تخریب شده بود، اما این بنیاد می گوید اعتباری برای تکمیل آن ندارد. قرار بود این خانه ها به کسانی تحویل داده شود که بعد از سیل گذشته شرایط و خیمه تری پیدا کرده بودند، اما تا امروز هیچ خبری از ادامه ساخت این خانه ها نشده. ستوده تعریف می کند: «هرکسی که توانایی مالی داشته، بعد از سیل امسال به دیوارهای خانه اش سیمان زده تا ریزش نکند. کسی هم که توان آن را ندارد، خانه را رها کرده و به خانه فرزند، دوست و همسایه رفته. حالا که دوباره هشدار سیل داده شده، هیچ خانواده ای نمی تواند به جای امن تری منتقل شود. از طرف دیگر تعداد زیادی سرویس بهداشتی در روستا تخریب شده و احتمال ابتلا به بیماری گوارشی زیاد است. معیشت مردم از راه کشاورزی و دامداری است. باغ های انبه، لیمو و نخلستان ها باغچه های سبزی کاری مردم هم خراب شده است. دام یکی از چوپان ها هم در همین سیل از بین رفت. اگر سیل بند ساخته شود، سیل به سمت باغ ها نمی رود.»

خانه های رها شده، ساخته نمی شود

«وقتی باران شروع شد، من و آقای امیری رفتیم بخشداری که ستاد بحران تشکیل دیم. یک ساعت بعد که برگشتیم وسیله بخریم، دیدم ارتفاع آب بالا آمده. در طول چهار روز، دو بار سیل آمد. وقتی سیل دوم رسید، من یک سر روستا بودم، برادرم سمت دیگر، نزدیک به ۹ روز راهی به بیرون روستا نداشتیم. به دلیل احتمال برق رفتگی و ریزش، به مردم گفتیم فقط جان خودتان را نجات دهید! نه برقی، نه آنتنی، هیچ! مقصد بعدی روستای دیرمان بخش تلنگ است. «اکرم» از اهالی همین روستاست و بعد از روزهای سیل همراه با برادرش، برای مردم روستاهای تلنگ از فرمانداری، بخشداری و خیریه ها کمک می آوردند. خانه برادرش مدام از مهمان پر و خالی می شود. یک گروه خیریه می رود، یک گروه دیگر می آید و کمک ها را تحویل می دهد. اکرم شبانه همه خانه های سیل زده و خاک فرونشسته از سیل را نشان می دهد. کوچه هایی که درست در مسیر طغیان رودخانه بودند و زمین آن حدود نیم متر شسته شده، خاکش با آب رفته و لوله های آب آن شکسته است. او تعریف می کند که دو شبانه روز برق



عکس: سارا سبزی، هم چینیان